

نجف و انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱ (بررسی زمینه‌ها و پیامدها)

سید یاسر قزوینی حائری

مردم شیعه عراق روزهای به‌خصوصی از سال را به زیارت امیر مؤمنان علی(ع) و أباعبدالله الحسین(ع) اختصاص می‌دهند. دو موسم زیارتی مهم عراق که در آن مردم به زیارت کربلا می‌شتابند، یکی زیارت اربعین است که شیعیان از دورترین نقاط عراق پای پیاده به سوی کربلا می‌شتابند، و دیگری زیارت شعبانیه است که در آن نیز مردم عراق از اقصی نقاط کشور رهسپار کربلای معلی می‌شوند. حاکمان ستمگری که در طول تاریخ بر عراق حکم رانده‌اند، همواره از این زیارت‌ها در هراس بوده و بر آن بودند تا از آن جلوگیری کنند. البته ترس آنان بی‌مورد نبود؛ چراکه زیارت امواج خروشان شیعیانی که شور حسینی در سر دارند، همواره برای حاکمان ظالم عراق مشکل‌ساز بوده است. دو تحرک بزرگ شیعیان عراق نیز در خلال همین زیارت‌ها رخ نمود: یکی انتفاضه صفر سال ۱۹۷۷ میلادی (۱۳۹۷ قمری) و دیگر انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱ میلادی (۱۴۱۱ قمری).

انتفاضه صفر ۱۹۷۷م. ۱۳۹۷ق

با بر سر کار آمدن حزب بعث در عراق، یکی از اهداف ایشان که گام‌به‌گام عملی شد، دور کردن مردم عراق، به‌ویژه شیعیان از آموزه‌های دینی، مخصوصاً شعائر حسینی بود. این در حالی است که حزب بعث در ابتدا خود را حزبی ضد الحاد و حزبی شیوعی نشان می‌داد؛ اما در واقع رژیم بعث از عزاداری و شور حسینی مردم سخت می‌هراسید. از این رو سعی کرد تا مجالس عزاداری و زیارت مراقد ائمه علیهم السلام به ویژه کربلا و نجف را محدود سازد.



از گذشته، یکی از مهم‌ترین ایام زیارتی حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در عراق ایام اربعین حسینی بود. مردم شیعه عراق در این ایام فوج فوج با پای پیاده به سوی حرم سیدالشهدا(ع) حرکت می‌کردند. صدام از این حرکت مردم سخت می‌هراسید؛ از این رو سعی داشت تا در برابر موج خروشان عزاداران در این ایام مانع ایجاد کند. ابتدا از بخش‌ها آغاز کرد و بعد به شهرها رسید و در نهایت نقشه شوم خود را در استان‌ها عملی ساخت. البته هنوز جرأت نداشت عزاداری در نجف و کربلا را تعطیل سازد؛ تا اینکه در صفر سال ۱۹۷۷ (۱۳۹۷ق) از حرکت مردمی که می‌خواستند پیاده به سوی کربلا حرکت کنند، جلوگیری کرد. مردم نیز تصمیم گرفتند بدون توجه به تهدیدات، در ایام اربعین راهپیمایی عظیمی را از نجف به سوی کربلا ترتیب دهند.

در این راه‌پیمایی عظیم بود که میان نیروهای صدام و مردم در منطقه «خان النص» بین کربلا و نجف درگیری به وجود آمد و تعدادی در این درگیری به شهادت رسیدند. این امر عشایر را تحریک نمود و در نتیجه صدام حرکت عزاداران را در اربعین آزاد کرد. اما موج خروشان مردم خاموش شدنی نبود. رژیم صدام نیز شهید سید محمدباقر صدر و شهید محمدباقر حکیم را دستگیر کرد. این حرکت شیعیان عراق به «انتفاضه صفر» معروف شد. اما با دستگیری دوباره آیت الله صدر، این بار همراه خواهر گرامیش بنت الهدی، مردم نجف به حرکت درآمدند و انتفاضه رجب به وجود آمد، که پس از آن، بار دیگر آیت الله صدر آزاد شد و شهادتش به تعویق افتاد.^۱

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رژیم بعث را سخت هراسان ساخت. به همین سبب صدام تلاش کرد تا با شدت هرچه تمام‌تر با روحانیون مبارز برخورد کند. شهادت آیت الله محمدباقر صدر و خواهر گرامیش بنت الهدی و شهادت تعداد زیادی از آل حکیم و دستگیری و تبعید بسیاری دیگر از روحانیون مبارز و فعالان سیاسی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد. با تبعید یا اعدام بسیاری از رهبران سیاسی شیعه و همچنین آغاز جنگ تحمیلی، توده‌های شیعه به خاموشی گراییدند و مترصد فرصتی برای خروش بودند که ضعف نظام بعث پس از شکست در اشغال کویت، زمینه لازم را برای این امر ایجاد کرد.

حمله صدام به کویت

صدام حسین در اوت ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد و این کشور کوچک، اما ثروتمند را استان نوزدهم عراق خواند و نیروهای عدی (پسر ارشدش)، علی شیمیایی، و مزدوران ساجده، همسر صدام به غارت برنامه‌ریزی شده این کشور پرداختند؛ به گونه‌ای که کاخ جدید ساجده مملو از مرمهرهای کویتی شد و اتومبیل‌های مدل بالای کویتی در بازارهای بغداد به فروش می‌رسید.^۲ در پی این حمله، کشورهای غربی به بهانه دفاع از کویت به منطقه لشکرکشی کردند و سرانجام صدام مجبور شد که در ۲۶ فوریه ۱۹۹۱ خاک کویت را تخلیه کند.

در باره حمله عراق به کویت و دخالت غرب در ترغیب صدام به این حمله، سخن بسیار گفته‌اند. آنها که می‌گویند صدام با چراغ سبز آمریکا به کویت حمله کرد، به دیدار گلسبی، سفیر وقت آمریکا در عراق با صدام استناد می‌کنند.^۳ گلسبی نیز خود در مصاحبه‌ای با روزنامه «نیویورک تایمز» به طور تلویحی از رضایت آمریکا



به این حمله خبر می‌دهد و می‌گوید:

هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که صدام قصد تصرف تمام خاک کویت را دارد. در واقع اگر صدام یورش خود را به حوزه نفتی مورد منازعه رمیله و جزایر مورد اختلاف محدود می‌داشت، شورای امنیت مداخله نمی‌کرد.^۴

این در حالی است که گلسبی چند سال بعد در یک تصادف مشکوک کشته می‌شود. برخی همراهی شاه اردن با صدام و سخنرانی بوش پدر درباره نظم نوین جهانی چند روز پیش از حمله عراق را از دیگر نشانه‌های چراغ سبز آمریکا می‌دانند.^۵ حمله عراق به کویت و متعاقب آن، حمله آمریکا به عراق، نقطه عطفی در تاریخ این کشور شمرده می‌شود. در واقع سیاست جدید آمریکا در قبال اپوزیسیون عراق و صف‌بندی جدید نیروهای معارض و همچنین تبلیغات و شعارهای جدید صدام مبنی بر ادعای اسلام‌گرایی^۶ از این تاریخ نمایان می‌شود.

انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱م. ۱۴۱۱ ق

در پی حمله آمریکا به خاک عراق و فرار سربازان عراقی و بروز شکست و ضعف در نظام صدام، شیعیان که سال‌ها در ظلم و حرمان به سر می‌بردند، انقلابی خودجوش را سامان دادند که به «انتفاضه شعبانیه» موسوم شد. معروف است که این انقلاب یک روز پس از اعلام آتش‌بس بین نیروهای صدام و نیروهای آمریکایی در اول مارس ۱۹۹۱م/۱۴۱۱ق و با شلیک یک گلوله تانک از سوی ارتشیان پیوسته به مردم، به تصویر دیواری صدام در میدان سعد بصره آغاز شد و دامنه آن به دیگر شهرهای شیعه کشیده شد. در این انقلاب، بیشتر مناطق شیعه‌نشین، از جمله بصره، ناصریه، عماره، کربلا و نجف به دست انقلابیون افتاد. از سویی کردها نیز در شمال عراق مناطق کردنشین را

در پی حمله آمریکا به خاک عراق و فرار سربازان عراقی و بروز شکست و ضعف در نظام صدام، شیعیان که سال‌ها در ظلم و حرمان به سر می‌بردند، انقلابی خودجوش را سامان دادند که به «انتفاضه شعبانیه» موسوم شد. معروف است که این انقلاب یک روز پس از اعلام آتش‌بس بین نیروهای صدام و نیروهای آمریکایی در اول مارس ۱۹۹۱م/۱۴۱۱ق و با شلیک یک گلوله تانک از سوی ارتشیان پیوسته به مردم، به تصویر دیواری صدام در میدان سعد بصره آغاز شد و دامنه آن به دیگر شهرهای شیعه کشیده شد.

○○○

آمریکایی‌ها که موفقیت حرکت مردم شیعه را با نگرانی پی‌گیری می‌کردند، و از نفوذ فعالانه ایران در انقلاب مردمی عراق می‌هراسیدند، سرانجام به بهانه خراب بودن راه‌های بازگشت سربازان عراقی از کویت، به صدام اجازه دادند که هلیکوپترهایش را به پرواز در آورد که در پی آن، قتل‌عام شیعیان جنوب آغاز شد.

از دست نیروهای صدام خارج کردند. البته باید گفت که این انقلاب بیشتر به صورت خودجوش عمل می‌کرد و هیچ‌یک از گروه‌ها واحزاب نمی‌توانند این حرکت را به نام خود ثبت کنند. یکی از عوامل پیروزی‌های اولیه این انقلاب، دستور ممنوعیت پرواز هواپیماهای عراقی توسط آمریکا بود که طبق آن، از هرگونه پرواز هواپیما و هلیکوپتر عراقی بر فراز عراق جلوگیری می‌شد؛ اما آمریکایی‌ها که موفقیت حرکت مردم شیعه را با نگرانی پی‌گیری می‌کردند، و از نفوذ فعالانه ایران در انقلاب مردمی عراق می‌هراسیدند،^۷ سرانجام به بهانه خراب بودن راه‌های بازگشت سربازان عراقی از کویت، به صدام اجازه دادند که هلیکوپترهایش را به پرواز درآورد^۸ که در پی آن، قتل‌عام شیعیان جنوب آغاز شد. تانک‌های ارتش عراق زیر نظر حسین کامل، داماد صدام در حالی که پرچم‌هایی با شعار «لا شیعه بعد الیوم» (پس از امروز، دیگر شیعه‌ای باقی نخواهد ماند) حمل می‌کردند، عملیات نسل‌کشی شیعیان را آغاز کردند. به گفته علی حسن المجید، ارتش عراق طی سه هفته ۳۰۰۰۰۰ نفر را کشت. این نسل‌کشی حتی برخی از طرف‌های غیر سیاسی شیعه و غیر شیعه را به حرکت واداشت.^۹ اما نقش آیت‌الله العظمی خویی در این انقلاب و حمایت او از انقلابیون، امری بسیار مهم تلقی شد. ایشان فتوایی که در حمایت از اماکن مقدسه به هنگام تیراندازی سربازان عراقی در حرم امیرمؤمنان(ع) داد و نامه سرزنش آمیزی که برای بوش فرستاد، بار دیگر قدرت سیاسی مرجعیت را نشان داد. «ایشان در بیانیه‌ای، یک هیأت هشت نفره از علمای نجف را برای مدیریت انقلاب تعیین کردند.»^{۱۱} ترجمه متن بیانیه ایشان بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و به نستعين وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين.
اما بعد، در این روزها کشور مرحله سختی را می‌گذراند و بیش از پیش نیازمند حفظ سازمان و برقرار امنیت و نظارت بر امور عامه و امور مذهبی و اجتماعی می‌باشد، تا مبدا مصالح عمومی از مدیریت صحیح خارج شده و موجبات ضایع شدن مصالح و اموال عمومی را فراهم آورد.

از همین رو به نظر ما مصلحت عمومی جامعه امروز اقتضا می‌کند یک کمیته عالی برای نظارت بر اداره تمام امور که نظر آن، نظر ما می‌باشد و هر آنچه صادر کند، از جانب ما باشد، گماشته شود. به همین منظور نخبگانی از علما که نام‌های‌شان در ذیل خواهد آمد، از کسانی که به کفایت و حسن تدبیرشان اعتماد

داریم را به عنوان اعضای این کمیته معرفی می‌نماییم. فرزندان مؤمنان باید دنباله‌رو ایشان باشند و از دستورات ایشان پیروی کنند و به ارشاداتشان گوش فرادهند و در به انجام رسیدن این مهم یاری‌گرشان باشند. از خدای متعال می‌خواهیم تا ایشان را در انجام خدمات عمومی، آن‌گونه که خدای متعال و رسول گرامیش خشنود شوند، یاری رساند.

الله ولی التوفیق وهو حسبنا و نعم الوکیل، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .
اعضای کمیته مذکور عبارتند از:

۱. سید محیی‌الدین الغریفی
۲. سید محمدرضا الموسوی الخلیجی
۳. سید جعفر بحر العلوم
۴. سید عزالدین بحر العلوم
۵. سید محمدرضا الخرسان
۶. سید محمد السبزواری
۷. شیخ محمدرضا شیبیب الساعدی
۸. سید محمدتقی الخوئی

نجف اشرف؛ بیستم شعبان المعظم ۱۴۱۱ ه
مقرر شد تا نام السید محمدصالح و السید عبدالرسول الخرسان نیز به این لیست اضافه شود.

۲۱ شعبان ۱۴۱۱ ه^{۱۲}

آیت‌الله العظمی خوئی همچنین خرید و فروش اموال به غنیمت گرفته شده از کویت را حرام اعلام کردند.^{۱۳} اهمیت این فتوا وقتی معلوم می‌شود که بدانیم یکی از مهم‌ترین برنامه‌های صدام و خانواده‌اش در کویت، سرقت برنامه‌ریزی شده اموال کویتی‌ها و فروش آنها در عراق بود.^{۱۴}

نیروهای صدام، به‌ویژه پس از چراغ سبز آمریکا از ۲۶ اسفند ۱۳۶۹ به مدت ۴ روز دو شهر کربلا و نجف را به شدت مورد حمله توپخانه‌ای قرار دادند و در روز ۲۹ اسفند با انتقال نیرو به وسیله هلی‌کوپتر به نجف، وارد این شهر شده و پس از درگیری با مقاومت، آیت‌الله العظمی خوئی و تنی چند از اعضای خانواده ایشان، از جمله یک زن و کودک را ربودند و با اجرای یک نمایش تلویزیونی و تحریف سخنان آیت‌الله العظمی خوئی چنین صحنه‌سازی کردند که ایشان با صدام موافقت کرده است.^{۱۵}

جواد خوئی، فرزند مرحوم محمدتقی خوئی، پسر ارشد آیت‌الله العظمی خوئی که در روز دستگیری در خانه پدر خود - که به محل استقرار آیت‌الله العظمی خوئی بدل شده بود - حضور داشت، داستان دستگیری آیت‌الله العظمی خوئی را این‌گونه روایت می‌کند: انقلابیون به آیت‌الله العظمی خوئی توصیه می‌کردند که با نزدیک شدن

**انقلابیون به آیت الله
العظمیٰ خوئی توصیه
می کردند که با نزدیک شدن
نیروهای بعثی، به سوی ایران
روانه شوند، اما ایشان در
جواب می فرمود: اگر از نجف
بروم، چگونه جواب گوی
مولایم امیرالمومنین (ع)
باشم، در حالی که شهر مقدس
را بی دفاع و تنها بگذارم.**

نیروهای بعثی، به سوی ایران روانه شوند، اما ایشان در جواب می فرمود: اگر از نجف بروم، چگونه جواب گوی مولایم امیرالمومنین (ع) باشم، درحالی که شهر مقدس را بی دفاع و تنها بگذارم. ایشان که قصد داشتند در شهر بمانند، به دیگران توصیه می کردند که سرنوشت خود را با ایشان گره نزنند و از شهر خارج شوند. در این بین تنها چند نفر با آیت الله ماندند که عبارت بودند از: سید محمدتقی خوئی، سید ابراهیم خوئی، سید محمود میلانی، سید محمدرضا خلخالی، سید عزالدین بحر العلوم، سید جعفر بحر العلوم، سید جواد بحر العلوم و سه جوانی که خود را وقف خدمت به آیت الله کرده بودند ... ما سه روز در خانه بودیم و به جز بیسکویت و شیر، غذای دیگری نداشتیم، تا این که در سوم رمضان ۱۳۱۱ نیروهای امنیتی نظام بعث وارد شدند و آیت الله العظمیٰ خوئی و همراهان را دستگیر کردند».^{۱۶}

با ربوده شدن آیت الله العظمیٰ خوئی و حملات هلی کوپترهای گارد ریاست جمهوری به مردم بی دفاع و پس از آن ورود گارد ریاست جمهوری به شهرهای انقلابی و قتل عام مردم این شهرها، دژخیمان بعثی با چراغ سبز بوش پدر، بر اوضاع مسلط شدند و انقلاب را در جنوب عراق سرکوب کردند. این در حالی بود که کمک نیروهای بین المللی باعث شد تا گروه های معارض کرد در مناطق خود اوضاع را به دست گیرند. در این بین، علاوه بر آیه الله العظمیٰ خوئی، علما و فقهای دیگری همچون آیت الله سبزواری نیز نقش آفرین بودند به دست گرفتند. مقتدی صدر در مصاحبه ای می گوید:

«آیت الله سبزواری و مرحوم پدرم برای رهبری انتفاضه پیش قدم شدند و فتوای جهاد دادند. آن دو با تشکیل گروه هایی و برپایی جلساتی مردم را اداره می کردند، تا این که جریان ها و افرادی با ایجاد اختلاف در میان این تشکل و هسته های مردمی، سبب شدند تا بغداد کاملاً به دست رژیم افتاد و نهایتاً تمام عراق دوباره تحت سیطره صدام درآمد و خانه ها ویران شد؛ مردم قلع و قمع شدند و جنایات صدام که بر کسی پوشیده نیست، فزونی یافت».^{۱۷}

در این میان شیخ محمد یعقوبی، مسول حزب فضیله و از نزدیکان سید محمد صدر، به نقش آیت‌الله العظمی خوئی می‌پردازد و می‌نویسد:

«پس از اعلام پایان عملیات طوفان صحرا از سوی آمریکایی‌ها در ۲۸ فوریه ۱۹۹۱ در حالی که مردم برای زیارت شعبانیه به سوی کربلا حرکت کرده بودند، فضای انقلاب کربلا را فراگرفته بود؛ به ویژه این که آیت‌الله العظمی خوئی نیز برای زیارت به سوی کربلا حرکت کرده بود. زیارت آیت‌الله العظمی خوئی نیز شور انقلابی مردم را در کربلا بیشتر کرده بود؛ ولی آیت‌الله العظمی خوئی به دلیل ازدحام وارد حرم نشد و از اتومبیل خود به زیارت پرداخت و بازگشت ... تظاهرات نجف در ظهر روز یکشنبه ۳ مارس ۱۹۹۱ مصادف با ۱۶ شعبان ۱۴۱۱ شکل گرفت و مراکز حکومتی به سرعت در برابر موج مردم، شکست خورده و اسلحه‌ها به دست مردم افتاد. مجاهدان حرم شریف امیرالمومنین (ع) را به عنوان مقر فرماندهی خود انتخاب کردند. در روز بعد هیئت‌های حسینی با شعارهای خون‌خواهی برای اهل بیت (ع) درحالی که برخی از ایشان مسلح بودند، وارد خیابان‌های اصلی شدند و استانداری را گرفتند. وقتی مجاهدان شهر را در دست گرفتند، هیچ‌کس درباره مرحله بعدی انتفاضه چیزی نمی‌دانست و تمام نمازهای جماعت تعطیل شده بود؛ به جز نماز سید محمد صدر که در حرم برگزار می‌شد. وی در بیانیه‌ای مردم را به یاری انقلاب اسلامی مبارک عراق دعوت نمود. سید محمد صدر پیش از این چنان شهرتی نداشت؛ اما با صدور این بیانیه، در میان مردم شناخته شد. بیانیه آیت‌الله سبزواری نیز بسیار حماسی بود؛ اما بیانیه آیت‌الله العظمی خوئی ملایم‌تر بود. آیت‌الله العظمی خوئی در بیانیه خود بیشتر به حفظ نظم اجتماعی و محافظت از اموال عمومی تأکید داشتند. مردم نیز بیشتر به آیت‌الله العظمی خوئی توجه داشتند تا سید محمد صدر. آیت‌الله العظمی خوئی تمام روحانیون را دعوت کردند تا کمیته‌ای برای سامان دادن به اوضاع تشکیل شود. یعقوبی در ادامه به یورش گارد ریاست جمهوری صدام به کربلا و نجف اشاره می‌کند. وی معتقد است که چون انتفاضه رویکرد واحد و مشخصی برای سرایت انقلاب به بغداد و دیگر استان‌ها نداشت، علی‌رغم تمام فداکاری‌ها و حماسه‌ها و تشکیلاتی که به وجود آمده بود و حتی نشریه منتشر می‌کرد و از حرم مطهر رادیوی انتفاضه را راه‌اندازی کرده بود، نتوانست در برابر یورش گارد ریاست جمهوری تا دندان مسلح که به وسیله حملات توپخانه‌ای و هوایی حمایت می‌شد، تاب آورد.^{۱۸}



تظاهرات نجف در ظهر روز یکشنبه ۳
مارس ۱۹۹۱ مصادف با ۱۶ شعبان ۱۴۱۱
شکل گرفت و مراکز حکومتی به
سرعت در برابر موج مردم، شکست
خورده و اسلحه‌ها به دست مردم افتاد.
مجاهدان حرم شریف
امیر المومنین (ع) را به عنوان مقرر
فرماندهی خود انتخاب کردند.

چون انتفاضه رویکرد واحد و مشخصی برای سرایت انقلاب به بغداد و دیگر استان‌ها نداشت، علی‌رغم تمام فداکاری‌ها و حماسه‌ها و تشکیلاتی که به وجود آمده بود و حتی نشریه منتشر می‌کرد و از حرم مطهر رادیوی انتفاضه را راه‌اندازی کرده بود، نتوانست در برابر یورش گارد ریاست جمهوری تا دندان مسلح که به وسیله حملات توپخانه‌ای و هوایی حمایت می‌شد، تاب آورد.

به هر حال شاید در صورتی که تمام نیروها گردهم می‌آمدند و همه با تمام اختلاف نظرها دست‌کم در کنار مرجعی که بیش از دیگران نفوذ داشت قرار می‌گرفتند و از موازی‌کاری پرهیز می‌کردند انتفاضه به سامان رسیده بود.

جریان‌های پس از انتفاضه سال ۱۹۹۱

پس از شکست انتفاضه ۱۹۹۱ و استقرار دوباره صدام و در حالی که حوزه نجف سکوت خود را شکسته بود، فشارها بر حوزه نجف فزونی گرفت. از سویی رژیم بعث بر آن شد تا با مطرح ساختن مرجعیت عربی، در مقابل مراجع ایرانی، شکافی را در نهاد مرجعیت به وجود آورد.^{۱۹} پس از وفات آیت‌الله العظمی خویی و با ترور برخی رجال حوزه همچون آیت‌الله غروی و آیت‌الله بروجردی، کار بیش از پیش سخت‌تر شد و آیت‌الله العظمی سیستانی به عنوان مرجع جدید حوزه علمیه نجف، با تدبیر و درایت وصف ناشدنی، رهبری آن دوران سخت را به عهده گرفتند.^{۲۰}

پی‌نوشت

۱. شیخ محمدرضا نعمانی، سال‌های رنج، ترجمه مهرداد آزاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۸ - ۲۰۲.
۲. لطیف یحیی، من پسر صدام بودم، ترجمه: عباس رضوانخواه و افشین رضایپور، انتشارات چنار، ۱۳۸۴، ص ۲۳۳ - ۲۵۲.
3. Raphael Israeli, The Iraq War The Regional Impact on Shiites, Kurds, Sunnid Arab, Sussex Academic Press, Brighton. Portland. 2004. P8.
۴. پیر سالیانجر، پرونده محرمانه جنگ خلیج فارس، خجسته، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۱.
۵. شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی ایران، برنامه گفت‌وگوی خبری، ۹ دی ۸۵، با حضور امیر عبداللہیان و اقامحمدی.
۶. کویت از پیدایش تا بحران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های کویت، قصیده سرا، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷.
۷. شبکه الجزیره، برنامه «بالاحدود»، با حضور عبدالله النقیسی، ۲۰۰۲/۹/۱۸.
۸. کان کاگن، صدام: زندگی مخفی، ترجمه نادر افشار، فروغ چاشنی‌دل، مؤسسه انتشارات عطائی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۴۰۷.
۹. گراهام گراهام و رند رحیم فرانکه، شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی، قم، ۲۸۴، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.
۱۰. فرهاد ابراهیم، الطائفیه والسیاسیه فی العالم العربی، نموذج الشیعة فی العراق رؤیة فی موضوع الدین والسیاسه المجتمع العربی المعاصر، ترجمه مرکز دراسات التفاعل الثقافی والترجمه، مکتبه المدیولی، ۱۹۹۶، ص ۴۴۰.
۱۱. کیهان، ۶ فروردین ۱۳۷۰، شماره ۱۴۱۴۹.
۱۲. سایت مؤسسه الخوئی الاسلامیه
<http://www.alkhoi.com/english/pages/book.php?bcc=16&itg=61&bi=132&s=ct>
۱۳. سایت مرحوم سید محمدحسین فضل الله
<http://arabic.bayynat.org.lb/alam/abo%20alkassem.htm>
۱۴. سایت مجلس خبرگان رهبری:
<http://www.khobreganrahbari.com/modules.php?name=News&file=article&sid=201>
۱۵. کیهان، ۱۵ فروردین ۱۳۷۰، شماره ۱۴۱۵۵.
۱۶. سایت مؤسسه الخوئی الاسلامیه
<http://www.alkhoi.com/english/pages/book.php?bcc=16&itg=61&bi=132&s=c>
۱۷. مجله پژوهش و حوزه
http://www.shareh.com/persian/magazine/pazhuhesh_h/16/09.htm
۱۸. المرجع الشیخ یعقوبی، الشہید الصرر کما عرفه:
<http://alfdhela.com/vb/showthread.php?t=821>
p232.Gilles kepel. 19
۲۰. گراهام فولر، اسلام سیاسی فی العراق بعد سقوط صدام حسین، تقریر خاص عن مؤسسه الولايات المتحدة للاسلام، ترجمه عادل حسن، مستقبل الواقع السياسي العراقي فی مقالات ثلاث، ص ۸۶.